



● همه ما چندسالی را دانشجویی کرده‌ایم. بعضی سربیزر و آرام رفته‌اند و درسی، کم‌وبیش خوانده‌اند و مدرکی گرفته‌اند و جایی کسب‌وکاری، دولتی یا خصوصی راه انداخته‌اند. بعضی هم با بعضی هم‌صدایی بلند کردند و پایي بر زمین کوفتند. از سیاست گفتند و تحول و ترقی و آزادی و اندیشه و راهی و استقلال و خیلی چیزهای دیگر. در همان سال‌های دانشجویی رنجش را هم برده‌اند، حالا کم یا زیاد. از همین دسته هم خیلی‌ها که بیرون آمدند از دانشگاه به همان مسیر دسته قبل رفتند و آنچه را که در دوران دانشجویی کرده بودند و می‌خواستند، به با یگانی راكد خاطرات خود سپردند. این قصه مکرر از همان سال‌های نخستین پس از سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران را افتاد، ادامه یافت. گاهی حتی کار به ۱۶ آذر رسید. خاصه در آن سال‌هایی که حالا دیگر می‌شود گفت سال‌های دور پیش از ۱۳۵۷، که هوایی برای تنفس در جامعه نبود، نفس از گرمگاه سینه بیرون نمی‌توانست آید، دانشگاه تنها جایی بود که می‌شد دو کلمه حرف زد و دوگام به جلو برداشت، حرفی زد و حرفی شنید و صدایی بلند کرد و پایي کوفت و دستی افشاند و فکری آورد که تصور شود تازه است. وقتی بیرون، چندان خبری نبود، معلوم بود که توان پرشور نیروی جوان دانشجو در دانشگاه می‌شود کانون همه اخبار و وقایع همه حوزه‌های سیاست و جامعه و نام جنبش به خود می‌گیرد و حتی می‌تواند دیگران را به‌دنبال خود بکشانند. دانشگاه می‌شود مرکز ثقل همه جریان‌های سیاسی و دانشجو-طلایه‌دار رهایی‌گشور و جامعه می‌شود، و اسم جنبش دانشجویی مسما می‌یابد. خوب یا بد، در ست یا غلط، این واقعیتی ناگزیر بود که رفت. حالا بیش از سه دهه تحولات سیاسی و تغییرات اجتماعی، خیلی چیزها را درگرون کرده است. حالا سیاست، چنان در سپهر جامعه گسترده شده است که سبب‌زمینی هم در آن نقش آفرینی می‌کند. حالا سیاست و آرمان‌طلبی و تحول‌جویی و آزادی‌خواهی، همه‌جا گسترده است و رقابت سیاسی با حتی منازعه سیاسی در همه‌جا پخش است. بخش‌های فراوانی در جامعه مدنی شکل گرفته و کم و زیاد صدای خود را می‌رسانند. از بخش‌های مدنی مانند زنان، کودکان، کارگران، روزنامه‌نگاران، معلم‌ها، سیاست‌مداران تا احزاب و سازمان‌های خرد و کلان و قوی و ضعیف دست در کار دارند و حاملان تحول و بازی سیاسی و مدنی‌اند. دیگر دانشگاه کانون منحصربه‌فردی نیست که موقعیتی است در کنار بقیه موقعیت‌ها. در این موقعیت، دانشجو اگر وارد حوزه عمومی مسائل کشور جامعه می‌شود، بازگری است مانند دیگر بازیگران. مانند وقتی که کارمندان در مورد انتخابات سخن می‌گویند. اساس قاعده بازی همان است. اگر حرکت‌های دانشجویی در فضای عمومی جامعه آن توش و توان دیرین را ندارد، سبب اینجاست ۱۶ آذر روزی است که در آن دانشگاه و دانشجو خود را نمایاند و قدرت خود را به سیاست تحمیل کرد. این سال‌ها هم دانشگاه داغ است. نبضش تند می‌زند، زیر‌دره‌بین همه است. سختی را تجربه می‌کند و حرمان می‌برد و… . حرکت‌های دانشجویی، با همه انگیزه‌های ارزشمند و پاکی که دنبال می‌کنند، در گستره این تغییرات سیاسی و اجتماعی، قادر به آن نقش آفرینی گسترده سال‌های دور نیستند و ناگزیر از باور این واقعیتند، چنان‌که می‌شود گفت که دیگر هیچ بخشی نمی‌تواند اثرگذاری قاطع و قطعی داشته باشد. هیچ بخشی نماینده هیچ بخشی نیست، مگر خودش. حرکت‌های دانشجویی نیز از این قاعده مستثنا نیست. چنین ادراکی از اندازه‌های واقعیت می‌تواند فضائی بهتری برای این حرکت‌ها فراهم کند.

● فارس: علیرضا زاکانی، نماینده تهران، روز گذشته در

سخنان خود به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه تربیت

مدرس در کنایه‌ای به سید محمود دعایی، مدیرمسئول

روزنامه اطلاعات، گفت: ما خبر داریم که این دوستان

پای‌کار اصلی برگزاری جشن‌های تولد برای دوست

چندین‌ساله خود (رئیس دولت اصلاحات) است و

غالب این جشن‌تولدها در مجموعه روزنامه اطلاعات

و با هزینه‌های این روزنامه انجام می‌شود. زاکانی

افزود: بنده خبر دارم آقای هاشمی و رئیس دولت

اصلاحات تدبیر کرده‌اند تا اصولگرایان را از وحدت و

انجماد بیرون بکشند. این نقشه‌ای را طراحی کردند

که امثال آقای ناطق به میدان بیایند و میدان‌داری کنند،

نقشه‌ای است که عناصر دوم خرداد برای اصولگرایان

کشیده‌اند و این افراد نیز در همان سناریو بازی می‌کنند

که برایشان نوشته شده است، ما این روند را دون شان

افراد می‌دانیم و هر کسی که امروز سبب شکاف در

جریان اصولگرایی شود، عملاً آب به آسیاب کسانی

می‌ریزد که فردا از خود این افراد عبور می‌کنند.



آنچه امروز در دانشگاه‌ها شاهد آن هستیم، حرکت‌های جمعی دانشجویی است. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که اصولاً نباید از حرکت‌های جمعی، همیشه انتظار کنش‌های جنبشی داشته باشیم و خود را مجبور کنیم که همه حرکت‌های جمعی را ذیل جنبش‌ها تعریف کنیم. چون جنبش دانشجویی هم مانند همه جنبش‌های اجتماعی، کنشی نیست که تنها معطوف به اراده خود دانشجویان باشد و از مجموعه عوامل شناخته و ناشناخته درونی و بیرونی تأثیر می‌گیرد. این تصور و انتظار اشتباهی است که همیشه و در همه حال از حرکت جمعی دانشجویان انتظار جنبش داشته باشیم. مثال این نوع نگاه، طرز فکر افراطیونی است که در عرصه سیاسی انتظار کنش‌های دانما انقلابی دارند و مثلاً همین سیاست‌های دولت اعتدال در چارچوب جمهوری اسلامی را هم بر نمی‌تابند و گاهی آن را به نام انقلاب، خیانت و تراندازی می‌نامند؛ چون انتظارشان این است که اجرای سیاست‌ها در راستای استمرار تفکرات انقلابی باشد و واقعیتی به نام

سینه بیرون نمی‌توانست آید، دانشگاه تنها جایی بود

که می‌شد دو کلمه حرف زد و دوگام به جلو برداشت،

حرفی زد و حرفی شنید و صدایی بلند کرد و پایي

کوفت و دستی افشاند و فکری آورد که تصور شود تازه

است. وقتی بیرون، چندان خبری نبود، معلوم بود که

توان پرشور نیروی جوان دانشجو در دانشگاه می‌شود

کانون همه اخبار و وقایع همه حوزه‌های سیاست و

جامعه و نام جنبش به خود می‌گیرد و حتی می‌تواند

دیگران را به‌دنبال خود بکشانند. دانشگاه می‌شود مرکز

ثقل همه جریان‌های سیاسی و دانشجو-طلایه‌دار

رهایی‌گشور و جامعه می‌شود، و اسم جنبش

دانشجویی مسما می‌یابد. خوب یا بد، در ست یا غلط،

این واقعیتی ناگزیر بود که رفت. حالا بیش از سه دهه

تحولات سیاسی و تغییرات اجتماعی، خیلی چیزها

را درگرون کرده است. حالا سیاست، چنان در سپهر

جامعه گسترده شده است که سبب‌زمینی هم در آن

نقش آفرینی می‌کند. حالا سیاست و آرمان‌طلبی و

تحول‌جویی و آزادی‌خواهی، همه‌جا گسترده است و

رقابت سیاسی با حتی منازعه سیاسی در همه‌جا

پخش است. بخش‌های فراوانی در جامعه مدنی

شکل گرفته و کم و زیاد صدای خود را می‌رسانند.

از بخش‌های مدنی مانند زنان، کودکان، کارگران،

روزنامه‌نگاران، معلم‌ها، سیاست‌مداران تا احزاب

و سازمان‌های خرد و کلان و قوی و ضعیف دست در

کار دارند و حاملان تحول و بازی سیاسی و مدنی‌اند.

دیگر دانشگاه کانون منحصربه‌فردی نیست که

موقعیتی است در کنار بقیه موقعیت‌ها. در این

موقعیت، دانشجو اگر وارد حوزه عمومی مسائل

کشور جامعه می‌شود، بازگری است مانند دیگر

بازیگران. مانند وقتی که کارمندان در مورد انتخابات

سخن می‌گویند. اساس قاعده بازی همان است. اگر

حرکت‌های دانشجویی در فضای عمومی جامعه

آن توش و توان دیرین را ندارد، سبب اینجاست ۱۶

آذر روزی است که در آن دانشگاه و دانشجو خود را

نمایاند و قدرت خود را به سیاست تحمیل کرد. این

سال‌ها هم دانشگاه داغ است. نبضش تند می‌زند،

زیر‌دره‌بین همه است. سختی را تجربه می‌کند و

حرمان می‌برد و… . حرکت‌های دانشجویی، با همه

انگیزه‌های ارزشمند و پاکی که دنبال می‌کنند، در

گستره این تغییرات سیاسی و اجتماعی، قادر به آن

نقش آفرینی گسترده سال‌های دور نیستند و ناگزیر

از باور این واقعیتند، چنان‌که می‌شود گفت که دیگر

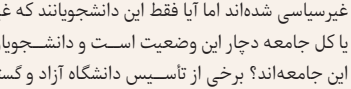
هیچ بخشی نمی‌تواند اثرگذاری قاطع و قطعی داشته

باشد. هیچ بخشی نماینده هیچ بخشی نیست، مگر

خودش. حرکت‌های دانشجویی نیز از این قاعده

مستثنا نیست. چنین ادراکی از اندازه‌های واقعیت

می‌تواند فضائی بهتری برای این حرکت‌ها فراهم کند.



● بی‌تردید دانشگاه‌ها همواره در عرصه مقدرات جامعه ما جایگاهی برجسته و تأثیرگذار داشته و البته این نقش در برهه‌های حساس و سرزشت‌ساز همچون پیروزی انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و حماسه‌های سیاسی، فراموش‌نشدنی و نمایان‌تر است. این مصداق بارز همان تعبیر بلند حضرت امام خمینی(ره) است که دانشگاه را مبدأ تحولات قلمداد کردند. ازاین‌رو در موقعیت بسیار حساس کنونی داخلی و خارجی کشور، حضور فعال و پرنشاطر دانشگاه و نقش آفرینی کارسازتر آنان در عرصه‌های گوناگون خاصه انتخابات‌های پیش‌رو، به‌مثابه یک خواست ملی تلقی می‌شود.
مقدم

هیچ جنبه‌ای از ابعاد علمی، فرهنگی و سیاسی منزلت دانشگاه نباید فدای جنبه دیگر شود. دانشگاه همواره می‌بایست کانون دانش‌پژوهی، خردورزی،

زرق‌اندیشی، نقد و روشنگری اندیشمندانه باشد و هر عامل محدودکننده واخلگر در این نقش آفرینی، مغایر مصالح نظام و منافع ملی تلقی می‌شود.

بی‌تردید فضای عمومی حاکم بر دانشگاه‌ها و رویکرد اکثریت قاطع دانشجویان و همت عمومی تشکل‌های اصیل دانشجویی در راستای اهداف و آرمان‌های

انقلاب اسلامی و تحقق خواسته‌های بحق ملی است و بنابراین می‌بایست با نگرش اعتمادآمیز و امیدبخش و خوش‌بینانه تمامی علاقه‌مندان به روشنت نظام

مواجه شود. هر اقدامی که شکاف میان نظام و مردم

و به‌ویژه دانشجویان بینجام ضربه به انقلاب اسلامی

است. ظاهراً بهانه‌جویی‌ها، دام‌گسترهای گروه‌های

خودسر و جریان‌های افراطی ناآگاهانه و آگاهانه

در حق دانشگاه و دولت، پاپانی ندارد و بایستی

برخورد لازم به عمل آید و دانشگاه باید تأثیرگذاری

خویش در جامعه را حفظ کند. حرکت متعدهانه

دانشجویی نشان می‌دهد که از بلوغ و عقلانیت

کافی برخوردار است و بایستی با هرگونه افراطی‌گری

و خشونت‌آفرینی، با هر نام و شعار، در محیط‌های

دانشجویی، در برابر حق و مطالبات و مراسم‌های

دانشجویان برخورد قاطع عاجل صورت پذیرد.

ویژه روز دانشجو

از جنبش تا حرکت جمعی

کردند، شاید بتوان یکی از دلایل کناره‌گیری آقای دکتر عارف از انتخابات را همین مطالبه‌ای دانست که در سراسر کشور از سوی دانشجویان برای انتلاف نیروهای اصلاح‌طلب مطرح می‌شد. البته این‌روزها شاهد هستیم که در خیلی از تحلیل‌ها گفته می‌شود مثلاً دانشجویان امروزی دغدغه‌های کلان ندارند و فقط به فکر خودشان هستند و جو دانشگاه‌ها هم بیشتر به سمت قرارهای دونفره می‌رود تا اینکه به سمت حرکت‌های تأثیرگذار سیاسی و اجتماعی تمایل داشته باشند. من اینکه چنین مسائلی در دانشگاه‌ها وجود دارد را یک‌سره نمی‌نم‌کنم، اما معتقدم همین فضای دانشجویی در کنار چنین شرایطی، نقاط مثبتی هم دارد و این نقاط مثبت نه در قالب جنبش، بلکه در قالب حرکت‌های جمعی دانشجویی وجود دارند و تأثیرگذار هم هستند. شاید علت اینکه برخی‌ها همچنان از حرکت‌های دانشجویی انتظار رفتار جنبشی دارند، این باشد که همچنان در چارچوب تحلیل‌های سال‌های ۷۶ تا ۸۰ گیر کرده‌اند، درحالی‌که باید پذیریم وضعیت تغییر کرده و جامعه هم به یک دانشگاه بزرگ تبدیل شده است. اکنون تحصیل‌کردگان دانشگاه به جامعه آمده‌اند و پیگیر مطالبات خود هستند. یکی از مهم‌ترین



جنبش دانشجویی اکنون به معنی واقعی وجود ندارد، همان‌طور که جنبش زنان وجود ندارد. این در حالی است که ازهمه قشرها، از جمله دانشجویان انتظار می‌رود که از همه حقوق مصرح در قانون اساسی برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. ضمن اینکه امکان نقد قوانین برای این گروه‌ها و افراد حقیقی هم وجود داشته باشد. جریان‌های دانشجویی از امکان تحرک برای بهبود شرایط و ایجاد فضای سالم برای اندیشیدن در دانشگاه‌ها نیز چنان که شایسته است، برخوردار نیستند، به همین دلیل دانشجویان، حرکت روشن، پررنگ و معناداری در عرصه عمومی ندارند. تدایم این محدودیت‌ها، باوجود تأکیدات مقام معظم رهبری و دیگر مسئولان ارشد نظام مبنی بر ایجاد فضای لازم برای تضارب افکار و اندیشه‌ها در دانشگاه، موجب تأسف است. به نظر می‌رسد یک جریان ویژه، برای دیگر تفکرات درون دانشگاه ارزشی قائل نیست و تلاش می‌کند با توسل به هر شیوه ممکن در سطح دانشگاه و همچنین جامعه حرف اول را بزند. این جریان خاص حتی از برخورد فیزیکی و مانع‌تراشی بر سر راه طرح اندیشه کسانی که مثل آنها فکر نمی‌کنند نیز خودداری نکرده و از اخلال بر سر راه مراسمی که دارای مجوز رسمی و قانونی نیز هست، ابا ندارد. با وجود همه مشکلات اما دانشجویان اکنون بیدار شده و تلاش می‌کنند امکان مباحثه آزاد فکری را در محیط تحصیلی خود فراهم کنند. دانشجویان ورای گرایش‌های سیاسی باید توان خود را به ایجاد فضای تضارب آرا در سطح دانشگاه‌ها معطوف کنند. نیل به این هدف البته نه با ایجاد یا تععیق فضای چالش‌برانگیز بلکه با همگانی‌کردن کنش‌های ایجادیی و ایجاد فضایی ممکن است که در آن همه بتوانند حرف خود را بزنند.



● ایلتا: علی مطهری روز گذشته در نشست با عنوان جمهوری اسلامی از آرمان

تا واقعیت که در دانشگاه علامه برگزار شد، گفت: روز دانشجو و امروز حاکی

از فریاد در سکوت و جرقه‌ای در تاریکی است، چراکه دقیقاً چند ماه بعد از

کودتای سال ۲۳ بود که فخران بر کشور حاکم شده بود،ای همین این حادثه

بسیار ارزشمند است. او با بیان اینکه گاهی از کلمات معانی متفاوتی برداشت

می‌شود، افزود: «قبل از پیروزی انقلاب نیز در مورد معانی کلمات مناقشه‌های

زادی وجود داشت. چپ‌ها می‌گفتند بیابیم از آزادی شعار واحد بسازیم و

شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» را قرار دهیم. با شکل‌گرفتن نیروهای اسلامی

آنها شروع به این حرف‌ها کردند. اما سران انقلاب به‌ویژه شهید مطهری پاسخ

آنها را دادند و گفتند اگر می‌گویند آزادی، مقصود شما آزادی در مذهب است.

اما مقصود ما از آزادی در واقع آزادی از رژیم شاه و کمونیسم است.»

رد دوره اصلاحات حد خوبی از آزادی بیان داشتیم

او در ادامه و در بخش پرسش و پاسخ با دانشجویان که در دانشکده حقوق

و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، در پاسخ به این سؤال که

آیا بویی از آرمان‌های انقلاب امروز به مشام می‌رسد، گفت: «در بحث آزادی

دچار فراز و نشیب‌های زیادی بودیم. گاهی آزادی بیان قابل قبول بود و برخی

موافق خبری برای مثال در دوره اصلاحات حد خوبی از آزادی بیان داشتیم. در

دولت نهم نیز نسبتاً آزادی بیان قابل قبول بود، اما در دوره دولت دهم به‌ویژه

از سال ۸۸ به بعد محدودیت‌ها زیاد شد و تا الآن نیز ادامه دارد.» او افزود:

«در دوره سازندگی هم آزادی بیان ایده‌آل نبوده است. دوره جنگ و استقرار

نظام هم نمی‌تواند خیلی معیار باشد، چرا که در دوره جنگ هر کشوری

محدودیت‌های آزادی دارد.»

حرف در باره ۸۸ همچنان همان است

مطهری در ادامه با بیان اینکه در دوره جنگ ۱۷ روزنامه بسته شد، گفت:

«امام محبت کردند و گفتند قلم‌های مسموم باید بشکسته شود. این مسئله با

شرایط جنگ قابل توجیه است اما قابل سرائبت به امروز نیست، اشتباه این است

که برخی می‌خواهند احکام گذشته را به امروز سرایت دهند، اما نمی‌گویند

حرف ام‌ام برای شرایط عادی نبود بلکه برای دوره جنگ بود. معتقدم امروز

در زمینه آزادی بیان در شرایط خوبی نیستیم.» او در پاسخ به این سؤال که آیا

این مطالبات هم اشتغال است. البته این بستگی به حرکت دولت‌ها نیز دارد و اگر گروه‌هایی که با دست باز می‌شود، بازنشده باقی بمانند، حرکت‌های جمعی ممکن است باز هم در مقطعی بر اثر عوامل گوناگون، حالت جنبشی پیدا کنند، اما جنبش‌ها همیشه نیست و قرار نیست که حرکت‌های جمعی همواره در قالب جنبش باقی بمانند. بنابراین من در مقابل کسانی که از حرکت دانشجویان ارزیابی منفی دارند، این پیش‌بینی را مطرح می‌کنم که در همین انتخابات پیش‌رو، همین حرکت جمعی دانشجویان به تشکیل مجلسی تقااتی‌تر کمک می‌کند. ما این‌روزها می‌بینیم که به‌خصوص در شهرستان‌ها، بسیاری از دانشجویان به سراغ افرادی که در حوزه‌های تخصصی خود به مردم خدمت کرده‌اند، می‌روند و آنها را تشویق به ثبت‌نام در انتخابات می‌کنند. چون در جامعه ما معمولاً افرادی که در حرفه خود موفق هستند تمایلی ندارند وارد فعالیت سیاسی شوند، اما وقتی عده‌ای از دانشجویان و نخبگان از یک مدیر، استاد دانشگاه، معلم، پزشک یا روزنامه‌نگار خوب، دعوت می‌کنند در انتخابات شرکت کند، این افراد ترغیب می‌شوند وارد عرصه شوند و پیش‌بینی من این است که همین دانشجویان، مردم را به شرکت در انتخابات تشویق می‌کنند و در شکل‌گیری مجلسی عاقل‌تر و کارآمدتر تأثیرگذار خواهند بود.



اگر جنبش دانشجویی را به معنای آرمان‌خواهی در نظر بگیریم به نظر من می‌شود همچنان از چیزی تحت عنوان جنبش دانشجویی یاد کرد. اما آیا جنبش دانشجویی را صرفاً در اعتراضات و تظاهرات‌های دانشجویی خلاصه کنیم؟ با این متر و معیار اکنون به دشواری می‌توان از چیزی تحت عنوان جنبش دانشجویی یاد کرد. واقعیت این است که جنبش دانشجویی تابعی از شرایط عمومی جامعه است و نمی‌توان یک جنبش را مستقل از دیگر تحركات اجتماعی دانست. در دو، سه قرن‌ی که از تأسیس نهاد دانشگاه در جهان و هشت دهه‌ای که از پایه‌گذاری این نهاد در ایران می‌گذرد، جنبش‌های دانشجویی عموماً متأثر از جنبش‌های آزادی‌خواه، عدالت‌طلب و برابری‌خواه بوده‌اند و هم‌راستا با جنبش‌هایی که در جهت آرمان‌های دموکراسی‌خواهانه و برابری طلبانه گام برمی‌داشتند عمل کرده‌اند. با این رویکرد برای مقایسه آنچه اکنون در فضای دانشگاه حاکم است با شرایط دانشگاه‌ها در دوران اصلاحات باید به چند متغیر توجه کرد: یکی اینکه ترکیب سنی و جنسی دانشجویان تغییر کرده است. از نظر سنی رویکرد نظام آموزش عالی به‌ویژه در دانشگاه‌های مادر در مراکز استان‌ها به سمت گرفتن دانشجوی تحصیلات تکمیلی رفته است، دانشجویانی که علی‌القاعده بالای ۲۲ سال سن دارند و گرفتار دوران خاصی از زندگی هستند و نگرانی‌های خاصی دارند مانند بحث اشتغال و تشکیل خانواده و سربازی. این دغدغه‌ها قدری دانشجو را بیشتر متوجه زندگی شخصی‌اش می‌کند تا متوجه آنچه در محیط اطرافش می‌گذرد. بر لحاظ ترکیب جنسی هم دانشگاه‌ها روزانه‌تر شده‌اند و دانشگاه‌هایی که زنانه‌تر شده‌اند احتمال اینکه در آنها حرکت‌های تهوآمیز بینیم کمتر است. من نمی‌خواهم منکر تحولات سیاسی و آنچه در این مدت بر دانشگاه‌ها رفته شوم، ولی اگر دانشجوی امروز را با دوران اصلاحات مقایسه کنیم، می‌بینیم یکی از مشکلات این بود که عموم دانشجویان تصوری از مفهوم هزینه‌دادن برای فعالیت و آرمان‌های سیاسی خود نداشتند، به نظر می‌آید دانشجوی امروز قدری واقع‌بینانه‌تر به سیاست نگاه می‌کند و تلاشش این است که به صورت مؤثرتر و پخته‌تری مطالبات سیاسی‌اش را بی‌گیری کند. در زمان اصلاحات بخشی از میل دانشجویان به تعاملات اجتماعی و ارتباط با دوستان از طریق این فعالیت‌های دانشجویی ارضا می‌شد، اما اکنون با وجود شبکه‌های مجازی، ارتباطات گسترده‌ای بین دانشجویان وجود دارد و قدری ارتباطات گسترده می‌تواند میل آنها به فعالیت پرهزینه دانشگاهی را کاهش دهد. من تصور می‌کنم حتی اگر شرایط سیاسی هم به شرایط دوم خرداد یا مشابه سال‌های بعد دوم خرداد بازگردد، بعید است اتفاقاتی که در آن دوران می‌افتاد، تکرار شود. سال‌های اصلاحات یک دوره کم‌نظیر به‌ویژه در حوزه آموزش عالی بود.

آن آمده بود: «عده‌ای تصور می‌کنند باید حرف‌های من را بیان کنند، خیر؛ هرکس فکر کند و حرف خودش را بیان کند». مطهری تصریح کرد: «اینکه عده‌ای در کشور اجازه اظهار نظری مخالف رهبری نمی‌دهند، مسئله‌ای است که متأسفانه وجود دارد و به اصلاح کاسه‌های داغتر از آتش مشکل‌سازی می‌کنند. بنابراین اشکال در ولایت‌مداران است نه در ولایت فقیه. امیرالمؤمنین هم می‌گوید از من انتقاد کنید». این نماینده مجلس در پاسخ به این پرسش که آیا مارکسیست‌ها می‌توانند در دانشگاه فعالیت تشکیلاتی داشته باشند، گفت: «براساس قواعد اولیه انقلاب، آنها می‌توانند فعالیت داشته باشند و ما در بیانات شهید مطهری می‌خوانیم که مارکسیست‌ها می‌توانند، اما در صورتی که با تابلوی مشخص خودشان حرف بزنند نه اینکه از اسلام و آیه‌های قرآن فکت بیاورند و در تجمع‌های خود عکس امام و رهبری را کنار بگذارند و تصاویر لنین و مارکس را بالا ببرند. طبعاً باید در دانشگاه هم با تابلوی خودشان به عنوان کمونیست غیرمسلمان فعالیت کنند، اما با قوانین موجود امکان‌پذیر نیست.»

از ابتدای انقلاب فراری برای قطع رابطه با آمریکا نبود
این نماینده مجلس همچنین درباره رابطه با آمریکا، حدود آن و شعار مرک‌برآمریکا بیان کرد: «فراموش نکنیم که تا ابتدای انقلاب فراری برای قطع رابطه با آمریکا مطرح نبود و بعد از ماجرای تحسین سفارت آنها رابطه‌شان با قطع کردند. امروز هم نفس برقراری رابطه اهمیت چندانی ندارد و مهم این است که ما از مواضع اصلی خود عقب‌نشینی نکنیم.» او ادامه داد: «البته شاید امروز به نفع نباشد، ولی اتفاقاً صهیونیست‌ها و عربستان سعودی همواره تلاش می‌کنند رابطه ایران و غرب کل آلود بماند تا آنها ماهی خود را صید کنند. مطهری درباره شعار مرک بر آمریکا گفت: «شعار مرک‌برآمریکا یعنی مرک بر سیاست‌های آمریکا. شخصاً تصور می‌کنم تا وقتی این کشور از سیاست‌های اسرائیل حمایت می‌کند، سردادن این شعار ایرادی ندارد.» وظیفه نظارتی مجلس در قبال نمایندگان پرسش دیگر دانشجویان حاضر در این جلسه بود که مطهری در این رابطه گفت: در مواردی نهاد‌های زیر مجموعه رهبری مالیات پرداخت نمی‌کنند، در صورتی که نهاد رهبری نظارت درونی انجام می‌دهد. حتی ایشان گفتند اگر لازم باشد، باید از دفتر من هم تحقیق و تفحص کنید.



● جنبش دانشجویی ایران با وجود افت‌وخیزها و فرازوفروهایی که داشته هرگز خاموش نشده و تبیین کارکرد و ماهیت عملکرد جریان‌های دانشجویی در فضای فعلی کشور نشان می‌دهد این جنبش نسبت به گذشته روزبه‌روز فعال‌تر و نقش‌های مختلفی را عهده‌دار شده است. در سال‌های اخیر، جریان دانشجویی تحولات گفتمانی زیادی را پشت سر گذاشته و با رشد فضای مجازی در جامعه، تبدیل به یک جنبش اجتماعی فراگیر شده است. نخستین گفتمان این جنبش از ۱۶ آذر ۱۳۲۲ تا ابتدای دهه ۶۰ را دربر می‌گیرد که به‌نوعی شامل انقلابی‌گری با رویکرد اسلام‌گرایی است. در این دوره دانشجویان بیدار در قالب انجمن‌های اسلامی به مبارزه با رژیم شاه پرداختند و نقش مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کردند. تحولات گفتمانی این جنبش از ابتدای انقلاب تاکنون سیر متفاوتی داشته است. پس از پیروزی انقلاب، گفتمان دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن، عدالت و تقویت دفاع مقدس در کانون توجه این جنبش قرار گرفت. بعد از پایان جنگ گفتمان معرفتی و فرهنگی و دفاع از آزادی با رویکرد سیاسی، بر فضای حرکت این جنبش حاکم شد که کنش‌های آن معطوف به نقد قدرت بود. به عبارتی دیگر در دهه دوم انقلاب و با تثبیت پیام انقلاب، جنبش دانشجویی نقش گفتمانی خود را بر پایه رویکردهای اصلاحی و نقد دولت‌ها بنا نهاد. در دهه سوم انقلاب و با انتعاب تشکل‌های دانشجویی، دو گفتمان عمده در این جریان شکل گرفت: عدالت‌خواهی آرمانگرایانه که تئورسین آن طیفی از دانشجویان اصولگرا بودند و دیگری مطالبه‌گری نفاذانه که دانشجویان تحول‌گرای اصلاح‌طلب آن را هدایت می‌کردند. در دهه چهارم انقلاب و با گسترش شبکه‌های مجازی اجتماعی، تحولات سریعی در جنبش دانشجویی ایجاد شد و فضایی فزاتر و گسترده‌تر از گفتمان سیاسی شکل گرفت. به‌عبارتی دیگر این گفتمان به‌جای حرکت صرف در مدار ذهنیات و آرمان‌های سیاسی، به محیطی وسیع‌تر با مطالبات چندوجهی تغییر نگرش داد و در عرصه‌های اجتماعی مثل امور صنفی، علمی، فرهنگی، ورزشی، زیست‌محیطی و کانون‌گرایی فعالیت‌تر شد که مثنی این گفتمان را می‌توان تعاملی و منعطف دانست. در کنار این موارد، مطالبه‌گری این جنبش با طرح موضوعاتی متکثر مانند روشنگری، عدالت‌طلبی، تولید علم، نقد سازنده و نگاه واقع‌بینانه به مسائل، در کانون توجه تشکل‌های دانشجویی قرار دارد. یوبایی و سیال‌بودن جریان‌های دانشجویی این امکان را ایجاد خواهد کرد که این جنبش بسته به نوع تعهد و پرسشگری‌ای که در ذاتش وجود دارد، همواره نسبت به توسعه پایدار کشور حساس خواهد بود و گفتمان‌های متناسب با توسعه و پیشرفت کشور را ایجاد خواهد کرد.



● بی‌تردید دانشگاه‌ها همواره در عرصه مقدرات جامعه ما جایگاهی برجسته و تأثیرگذار داشته و البته این نقش در برهه‌های حساس و سرزشت‌ساز همچون پیروزی انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و حماسه‌های سیاسی، فراموش‌نشدنی و نمایان‌تر است. این مصداق بارز همان تعبیر بلند حضرت

امام خمینی(ره) است که دانشگاه را مبدأ تحولات

قلمداد کردند. ازاین‌رو در موقعیت بسیار حساس

کنونی داخلی و خارجی کشور، حضور فعال و

پرنشاطر دانشگاه و نقش آفرینی کارسازتر آنان در

عرصه‌های گوناگون خاصه انتخابات‌های پیش‌رو،

به‌مثابه یک خواست ملی تلقی می‌شود.
مقدم

هیچ جنبه‌ای از ابعاد علمی، فرهنگی و سیاسی منزلت دانشگاه نباید فدای جنبه دیگر شود. دانشگاه همواره می‌بایست کانون دانش‌پژوهی، خردورزی،

زرق‌اندیشی، نقد و روشنگری اندیشمندانه باشد و

هر عامل محدودکننده واخلگر در این نقش آفرینی،

مغایر مصالح نظام و منافع ملی تلقی می‌شود.